

## بررسی عوامل موثر بر طراحی محلات با رویکرد عدالت فضایی

مریم دیزی جانی<sup>۱</sup>، پورمند قربانی سی سخت<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد یاسوج

<sup>۲</sup> پژوهشگر دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

مریم دیزی جانی

[Ma.dizjani@gmail.com](mailto:Ma.dizjani@gmail.com)

### چکیده

بروز بحران های مختلف در ابعاد زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرها که ناشی از فقدان برنامه ریزی مناسب در سطح محلی است، سبب تنزل کیفیت محله های شهری شده است. محلات مسکونی، به دنبال تغییر در شرایط و عوامل موثر بر گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، جایگاه ویژه ای در شکل گیری شهرها داشته اند. برای داشتن جامعه ای پایدار و موزون توجه به عدالت یکی از ضروریات های هر شهر و کشور است. برنامه ریزی جهت عدالت فضایی که بر گرفته از عدالت اجتماعی و اقتصادی است نیز به جلوگیری از هرج و مرج ها و توزیع بهینه امکانات و خدمات می انجامد و جامعه ای با ثبات تر را مهیا می کند که افراد در آن رشد و نمود پیدا کنند. در این مقاله ابتدا به بررسی مفهوم های پایه پرداخته شده است و سپس به نظریه های مرتبط با عدالت و نابرابری از دیدگاه های متفاوت و در نهایت ارائه قواعد اصلی طراحی محله با توجه مطالب بیان شده که در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، کالبدی بررسی می شود.

**واژگان کلیدی:** عدالت اجتماعی، نابرابری فضایی، طراحی محله.

## مقدمه

امروزه بحث عدالت فضایی در کانون مطالعات شهری در همه رشته های مرتبط مطرح است. برخلاف توجه زیاد به موضوع عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری در کشورهای توسعه یافته، مطالعات زیادی در این زمینه در کشور ما انجام نگرفته است (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰). عدالت فضایی در توزیع بهینه امکانات و خدمات مورد نیاز شهروندان در سطح شهر، به طوری که همه شهروندان دسترسی مناسبی به آن داشته باشند، کمک شایانی می کند و به دلیل تامین مناسب نیاز شهروندان و جلوگیری از تحرک و جابه جایی بی مورد آنان، خود به خود سبب صرفه جویی در وقت و هزینه شهروندان می شود که این امر لزوم پایداری شهری را فراهم می کند (وارثی و قائد رحمتی، ۱۳۸۶) با توجه به اهمیت موضوع عدالت فضایی و نا برابری ها و نبود منبعی جامع در برگیرنده قواعد طراحی در این مقاله سعی بر آن است که به این اصول در محله با رویکرد عدالت توجه شود و در دسته بندی های متعدد به طراحان جهت آفرینش محله ای عدالت محور کمک شایانی شود.

## ادبیات موضوع

### محله

محله جایی است که از نظر کالبدی، اجتماع را در فضای بزرگتر شهری محدود میکند. محله ها اغلب اجتماعات مربوط به جامعه هستند که اعضای آن به شکل ملموسی با هم ارتباطات چهره به چهره دارند. لویس مامفورد محله شهرهای قبل از صنعتی شدن را چنین تعریف میکند: (( محله ها در وهله اول، نمونه ای برای زندگی کردن افراد هستند آنگاه که در میان کوچ های دائمی خانگی، هر جا که جمع شدند، بنیادی نهادند و به آرامی به بسیاری از عملکردهای شهری، که به شکلی طبیعی و به دور از هر گونه جهت گیری و هدایت سیاسی در محله ها توزیع می گردند، تمایل پیدا کردند)) (caves, 2005). فعالیت های اجتماعی در محله ها افراد را در تعامل های متقابل قرار میدهد و بسته به نوع فعالیت ها رابطه های ساکنان ایجاد یا تقویت میگردد. این موضوع میتواند آثار بسیاری که اغلب از پیش تعیین نمی شوند، به همراه داشته باشد. پژوهش های متعددی رابطه بین سطح تعاملات محله ای و میزان جرایم را در سطح محله مورد بررسی قرار داده اند و به این نکته اشاره کرده اند که افزایش ایمنی و کاهش جرم، امکان حضور بهتر افراد را در فضای محله ها فراهم میکند و باعث افزایش سلامت ذهنی و کالبدی محیط میشود (Etaati & Iranmanesh, 168: 2010).

### عدالت فضایی

اصطلاح عدالت فضایی تا چند سال گذشته تحت تاثیر مفاهیم مرتبطی مانند عدالت سرزمینی، عدالت محیطی، بی عدالتی های شهرنشینی و کاهش بی عدالتی های منطقه ای می شد (soja, 2008). اعتقاد بر این است که با پذیرش شرایط اجتماعی و محیطی، و مطرح کردن آن ها در چارچوبی فضایی، عدالت فضایی می تواند ظرفیتی برای وحدت جنبش عدالت خواه زیر چتری مشترک تلقی شد و در آینده به برنامه ریزان و سیاست گذاران در پیدایی جوامع عادلانه تر و پایدارتر، کمک کند. (prange, 2009). برای برخی، عدالت فضایی، فقط دسترسی مساوی به تسهیلات عمومی اساسی در فاصله ای معین مانند دسترسی به مدرسه، امکانات بهداشتی یا فعالیت های فرهنگی و غیره است. در برخی تحقیقات، عدالت فضایی معنای وسیع تری دارد. در مفهوم برنامه ریزی تسهیلات عمومی، عدالت فضایی، به معنی جدایی یا مجاورت فضایی به تسهیلات عمومی در بین ساکنین است (tsoe et al., 2005). رویکرد بنیادی علوم جغرافیایی، به ویژه جغرافیای انسانی، رسیدن به تعادل یا تداوم تعادل در میان اجتماع های انسانی در راستای بهزیستی بوده است. عدالت جغرافیایی یکی از مقوله های برنامه ریزی مبتنی بر جغرافیا است که هدف آن تامین نیازهای ساکنان محدوده های جغرافیایی است. بعد توزیعی عدالت بیشترین هماهنگی را با عدالت جغرافیایی داشته است (کاویانی راد، ۱۳۸۴). از نظر جغرافیایی نمی توان ساخت های اجتماعی را از ساخت های فضایی جدا کرد. در مباحث جغرافیایی بر تولید فضا و نحوه توزیع آن تکیه می شود. زیرا نظریه مربوط به فضا و جامعه، افق های تازه ای را در مباحث گشوده است که تا سال ۱۳۸۰ در تاریخ علم جغرافیا سابقه نداشته است (خوش روی، ۱۳۸۵). در نیم قرن اخیر شهرها به واسطه افزایش شهرنشینی که امروزه از مهم ترین جنبه های تغییر جهانی است (Liu et al, 2007:597) مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده، (Qadeer, 2004:1) و تغییرات وسیعی نیز از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری زمین ایجاد نموده است (Nam and Jun

Yu,2007:96). به گونه‌ای که می‌توان گفت، جمعیت شهرها افزایش یافته است ولی خدماتی که پاسخگوی نیازهای مختلف آنها باشد، به گونه‌ای مناسب، پاسخگوی شهروندان نیست (Sohel Rana,2009:321). چنین وضعیتی که سنخیتی با رشد زیرساختهای شهری نداشته، نیازهای مختلف انسانی را نادیده گرفته و باعث شده تا توسعه فیزیکی شهرها، لجام گسیخته و بدون توجه به پارامترهای انسانی- اجتماعی اتفاق افتد (کرم محمدی، ۱۳۸۸)، غفلت از این اهداف انسانی و اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل‌های اجتماعی- اقتصادی روبرو و چالش‌های بی‌سابقه‌ای چون بی‌عدالتی در توزیع خدمات و عمومی و سلامت اجتماعی شهری را سبب گشته است. در این رابطه، توجه به تخصیص منابع از سوی مدیریت شهری، با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی، رضایت جمعیت شهری را به دنبال خواهد داشت، زیرا تخصیص منابع همراه با عدالت اجتماعی، مردم شهری را در سهولت دسترسی به خدمات شهری و نیز افزایش کارایی آن‌ها یاری می‌دهد. بنابراین برخورد صحیح مدیریت شهری با واقعیت پیچیده‌ای چون شهر و ملزومات مختلف آن، نیازمند درک جامع و مدیریت سیستمی شهر بویژه از بعد تأمین امکانات و خدمات مختلف شهری، لزوم پراکنش صحیح آن و اجرای عدالت فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات مناسب زیستی می‌باشد، که چرا "برنامه ریزی فضایی همواره با عدالت فضایی رابطه تنگاتنگی شهر دارد (بهرمان، ۱۳۸۶)، البته وجود نابرابری در استاندارد زیستی در بین ساکنین یک شهر، پدیده جدیدی در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فاحش تر بودن تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی، پیدایش محلات زیر استاندارد و گسترش خوش نشینی، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷). به گونه‌ای که توسعه نابرابر وجود نابرابری‌های گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آن‌ها (شیخی، ۱۳۸۶) از جمله ویژگی‌های غالب این کشورها و از عوامل اصلی تشدید و تسریع کننده وضعیت نامناسب موجود است. نکته مهم در این ارتباط، این است که وقتی از نابرابری امکانات و خدمات شهری سخن رانده می‌شود، نه فقط باید به عدالت محیطی، بلکه به ارتباط و پیوستگی آن با مفاهیم توسعه اجتماعی، سیاسی و مدیریتی نیز توجه شود، چرا که نبود یا مدیریت نادرست می‌تواند مسائل اساسی از قبیل بی‌نظمی شهری، معضلات اجتماعی، سیاسی و حس وجود بی‌عدالتی در بین افراد جامعه را افزایش دهد (مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی، ۱۳۸۵). متأسفانه تا بحال، توزیع خدمات عمومی شهری، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله شهرهای مختلف ایران، بیشتر در قالب طرح‌های کاربری اراضی و معیار سرانه کاربری مطالعه شده و به قابلیت کارایی و دسترسی ساکنین از خدمات عمومی شهری، کمتر اهمیت داده شده است، در حالی که از عمده ترین عناصر ارتقاء دهنده کیفیت محیط شهری، توسعه شاخص‌های دسترسی است و دسترسی مطلوب، یک عامل ضروری برای توفیق پایداری محیط شهری تلقی می‌شود (رهنما و لیس آنا، ۱۳۸۵) و هرگونه کوتاهی در این فرآیند ممکن است "و به رفتارهای خشونت آمیز و نندالیسم که با انگیزه انتقام جویی از جامعه و عملکرد مسئولین شهری انجام می‌شود منجر شود (کامیار ۱۳۸۷). دیوید هاروی نیز بر جنبه‌های اخلاق گرایانه جغرافیا در تأمین عدالت اجتماعی و رسالت جغرافی دانان در عدالت فضایی تأکید کرده است (Harvey,1969). در حقیقت، علم جغرافیا در صدد یافتن نوعی سازمان یابی فضایی است که به بهبود وضعیت مناطق محروم می‌شود (مرصوصی، ۱۳۸۳).

## انگاشت‌های مرتبط با عدالت

### برابری

برابری می‌تواند پس از توافق جامعه در مورد آنچه عادلانه و متناسب است حاصل گردد. این مرحله غیر قابل دستیابی است زیرا آنچه گروهی عادلانه می‌پندارد، گروهی دیگر غیر عادلانه می‌دانند. از این رو لازم است ابتدا به تعریف نابرابری و عدالت پرداخته شود تا از این ره نابرابری تعریف خود را باز یابد (تالن، ۱۳۸۰).

### نا برابری

نابرابری از ابعاد گوناگونی برخوردار است و هر یک از اندیشمندان به تفسیر گوشه‌ای از آن پرداخته‌اند. آنچه در ارائه‌ی تعریفی جامع از نابرابری دارای اهمیت می‌باشد شناسایی عوامل ایجاد کننده آن در جامعه می‌باشد. در شناسایی عوامل مذکور باید موارد زیر را مورد توجه قرار داد.

۱. تفاوت بین عوامل اصلی نابرابری مبتنی بر تفاوت‌های فردی و توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی و جز اینها در مقابل نابرابری مبتنی بر تفاوت‌هایی که جامعه در رفتار و برخورد با آنها بین افراد قائل می‌شود و علت آن مشخصه‌هایی هم چون طبقه‌ی اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است.

۲. توجه به عوامل خاص در دوره های تاریخی مختلف (به عنوان مثال: وابستگی در برابر عدم وابستگی دینی به عنوان محرکی برای کشمکش های سخت بین فرقه های مختلف در طول تاریخ )
۱. تعداد عوامل نابرابری و اینکه کدام عامل در ترسیم تصویر جامعی از نابرابری در جامعه بیشترین اهمیت را داراست.
  ۲. تفاوت های عوامل ایجاد کننده ی نابرابری و دلایل اهمیت دادن به برخی از آنها (گرب ، ۱۳۷۳).

### انواع نابرابری

- با در نظر گرفتن دشواری های تعریف نابرابری باید از دو جهت میان انواع نابرابری ها تمایز قائل شویم
۱. تفاوت میان نابرابری در قابلیت های طبیعی و نابرابری در موقعیت اجتماعی افراد.
  ۲. تفاوت میان تمامی نابرابری هایی مستلزم هیچ نظم مرتبه ی ارزشگذاری شده نیست و نابرابری هایی که یک سلسله وضعیت های برتر و فروتر را تشکیل می دهند.
- اگر این دو جنبه را با هم ترکیب کنیم ، انواع نابرابری ها به سه دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:
۱. تفاوت های طبیعی مرتبه ای که در هوش ، استعداد و قدرت افراد و متقابل در ارتباط با جامعه وجود دارد .
  ۲. تمایز گذاری اجتماعی بین موقعیت هایی که از نظر مرتبه علی اصول برابری برابری دارند .
  ۳. قشر بندی اجتماعی افراد بنابر منزلت و ثروت در قالب نظم سلسله مراتبی پایگاه های اجتماعی فراهانی ، ( ۱۹۳۱)

### مبانی نظری

راولز، فیلسوف عدالت

راولز به عنوان کسی که پایه های لیبرالیسم را با مفاهیمی جدید تقویت کرده است، معتقد است: <<اعطای حقوق جمع نیابستی به بهای از دست دادن حقوق فرد باشد>>. به این مفهوم که هر کس حق هر کاری را دارد تا زمانی که به تساوی حقوق دیگران تجاوز نکند. بر این اساس، دو اصل عدالت را تعریف می نماید که چنانچه هر توزیعی بر اساس این دو اصل صورت گیرد، مطابق نظریه راولز، توزیعی عادلانه به حساب می آید (راولز، ۱۳۸۵: ۸۴).

نخست این که این نابرابری ها باید مختص به مناصب و مقام هایی باشد که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت ها، باب آن به روی همگان گشوده است و دوم این که این نابرابری ها باید بیشترین سود را برای محروم ترین اعضای جامعه داشته باشد. بر اساس این دو اصل که اولی اصل "آزادی" و بخش اول از اصل کلی دوم، اصل "فرصت برابر" و بخش دوم، اصل "تفاوت" نامیده می شود، هر توزیعی باید کاملاً برابر باشد مگر اینکه عدم تساوی در توزیع به نفع ضعیف ترین فرد جامعه گردد. در نتیجه، مطابق این دو اصل می توان گفت همه خواسته های اولیه اجتماعی را باید به تساوی توزیع کرد مگر آنکه توزیع نابرابر هر یک از این خواسته ها یا همه آنها به نفع کم نصیبترین افراد باشد (Rawls, ۱۹۷۱: ۳۰۳). از این تصور کلی نتیجه میشود که بی عدالتی همان نابرابری است که به نفع همگان نباشد (Rawls, ۱۹۷۱: ۵۴)

همچنین برای رسیدن به یک توزیع عادلانه، راولز تقسیم چهار گانه ای را در طی چهار مرحله در حکومت پیشنهاد می کند:

۱. اولین مرحله، مرحله تخصیص است که ضمن حفظ رقابت کامل در بازار و تصحیح نارسایی های آن در مواقع لزوم باشد.
۲. دومین مرحله، مرحله تثبیت است که بهره برداری و اشتغال کامل را تضمین کند و از اسراف در استفاده از منابع جلوگیری به عمل آورد.
۳. سومین مرحله، مرحله انتقال است که مسئول نظارت بر پاسخ گویی به نیازهای افراد است
۴. سرانجام مرحله توزیع که مسئول تامین کالا و خدمات عمومی و جلوگیری (از طریق سیاست مالیاتی) از تراکم و تمرکز قدرت و ثروت است.

## هاروی و مکتب اقتصاد سیاسی فضا

هاروی در ارتباط با تعریف عدالت و عدالت اجتماعی چنین می آورد: عدالت را اساسا می توان به عنوان اصل (یا مجموعه ای از اصول) در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع، کاربرد خاص این اصول برای فایق آمدن بر تعارضاتی که لازمه همکاری اجتماعی برای ترقی افراد است، می باشد. تولید را از طریق تقسیم کار می توان افزایش داد، لیکن مسئله این است که حاصل تولید چگونه بین افرادی که در فرآیند تولید شرکت کرده اند توزیع شود. در این مورد اصول عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم ثمرات تولید و توزیع مسئولیت ها در فرآیند کار جمعی باشد. این اصول همچنین شامل نهادها و سازمان های اجتماعی مرتبط با فعالیت تولید و توزیع می شود. خصوصیت اصلی تمام این موارد این است که ما به دنبال یافتن مالک هایی هستیم که به کمک آنها بتوانیم تأثیر نحوه توزیع درآمد را بر افراد، گروه ها، سازمان ها و مناطق مختلف ارزشیابی کنیم و نیز به قضاوت درباره سازوکارهایی که برای تحقق توزیع به کار میروند، بپردازیم. به عبارت خلاصه تر ما به دنبال یافتن آنچنان توزیع عادلانه ای هستیم که عادلانه حاصل شده باشد (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۷). هاروی با آگاهی از برداشت های گوناگونی که از عدالت می شود، اصل "توزیع عادلانه از طریق عادلانه" را ملاک عمل خود قرار می دهد و بر این اساس، هشت ملاک را برای عدالت اجتماعی تعریف میکند. به عقیده وی این ملاکها مبنایی برای توزیع هستند و نشان دهنده چیزهایی هستند که به افراد چنین حقی می دهند که در قبال محصولات جامعه ای که در آن کار و زندگی میکنند ادعایی داشته باشند (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۱-۱۰۰). این هشت ملاک عبارتند از

- برابری ذاتی: تمام افراد حق دارند از منافع جامعه، جدای از میزان مشارکتشان در تولید، سهم برابری بخواهند.
  - ارزشیابی خدمات بر حسب عرضه و تقاضا: افرادی که بر منابع نایاب و ضروری تسلط دارند بیش از سایرین حق ادعا دارند.
  - نیاز: افراد دارای حقوق مساوی در بهره وری از منابع و امتیازات اند، ولی نیاز همه افراد مشابه نیست و تساوی در بهره وری از دیدگاه نیاز افراد به صورت تخصیص نابرابر جلوه گر می شود.
  - حقوق موروثی: افراد نسبت به حقوق مالکیت و یا سایر حقوقی که از طریق نسل پیشین به آنها ارث رسیده است، حق ادعا دارند.
  - استحقاق: ادعای افراد در مورد اشیاء ممکن است بر حسب دشواری فایق آمدن بر فرآیند تولید آن اشیاء بیشتر باشد (آنهایی که کارهای خطرناک و مشکل انجام میدهند و یا آنهایی که مدت طولانی تحت تعلیم و آموزش هستند- مانند جراحان- بیش از سایرین حق ادعا دارند)
  - شرکت در منفعت عمومی: آن دسته از افرادی که فعالیتشان به نفع عده بیشتری است، بیشتر از آن عده که فعالیت آنها به عده کمتری اختصاص دارد، حق ادعا دارند.
  - شرکت واقعی در تولید: افرادی که در روند تولید دارای بازده بیشتری هستند (که با وسایل مناسبی اندازه گیری شده باشد) از آن عده که بازده کمتری دارند، حق ادعای بیشتری خواهند داشت.
  - کوشش و فداکاری: افرادی که کوشش بیشتری میکنند یا ذاتا قادر به تحمل فداکاری بیشتری هستند، باید بیشتر از افرادی که کوشش کمتری میکنند پاداش گیرند
- هاروی در ادامه می افزاید: ((این هشت معیار مسلما مستلزم تبیین و تحلیل بیشتری اند. من به پیروی از رانسیمین می گویم که ماهیت عدالت اجتماعی را می توان به کمک سه معیار از معیارهای فوق بیان کرد: معیار "نیاز" به عنوان مهمترین آنها، "منفعت" به عنوان دومین معیار و "استحقاق" به عنوان معیار سوم. مطالعه و بررسی عمیق تر این معیارها نشان خواهد داد که این سه معیار، معیارهای دیگر را نیز در بر میگیرند)) (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۱).

## معیار های عدالت در توزیع خدمات شهری

دیوید هاروی ماهیت عدالت اجتماعی برای سنجش عادلانه بودن توزیع منابع و خدمات، تحت سه معیار زیر عنوان می کند: معیار نیاز به عنوان مهم ترین معیار، منفعت عمومی به عنوان دومین معیار و استحقاق به عنوان معیار سوم. در ادامه باید گفت که؛

۱. «نیاز مفهوم نسبی است»، احتیاجات و نیازهای انسان ثابت نیستند و به موازات تحول جامعه، نیاز هم تحول می یابد. نیاز به حداقل خدمات را چه از حیث کمی و چه به لحاظ کیفی می توان تعیین کرد. این حداقل بر حسب هنجارهای

اجتماعی در طول زمان تغییر می کند و نیز راه های متفاوتی برای پاسخ گویی به این نیازها می توان تصور کرد. بعد از تعیین اینکه کدام یک از مقولات جزئی واقعا نیاز به حساب می آیند، باید به طریقی ضوابط منطقی برای تشخیص حداقل آستانه هر یک از مقولات جزئی به وجود آورد. افراد دارای حقوق مساوی در بهره برداری از منابع و امتیازات هستند ولی نیاز به همه مشابه نیست. تساوی در بهره برداری از دیدگاه افراد به صورت تخصیص نابرابر منافع جلوه گر می شود.

۲. « کمک به مصالح عمومی»: برگرداندن مفهوم کمک به مصالح عمومی (منفعت عمومی) به مفاهیم جغرافیایی موجود کار نسبتا آسانی است. در اینجا مسئله اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق تأثیر می گذارد. فنون چندی برای حل پاره ای از این مسائل در تحلیل ضریب فزاینده بین منطقه ای، قطب رشد و اثرات خارجی تکنولوژی وجود دارد. اثرات گسترده می تواند مثبت یا منفی باشد. منفعت عمومی در حقیقت معنای دیگری که همان افزایش کل تولید باشد دارد که همان معنای کارایی و معیارهای رشد اقتصادی و تحلیل اثرات خارجی و تاثیرات جانبی را دارد. اگر مراد دست یافتن به عدالت اجتماعی باشد معنای منفعت عمومی باید نسبت به نتایج توزیعی جنبه ثانوی داشته باشد.

۳. « استحقاق»: بر اساس تعریف عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی در اینجا به معنی آن است که اگر تسهیلاتی مورد نیاز است و اگر این تسهیلات به نوعی به مصالح عمومی یاری می رساند آنگاه و فقط آنگاه است که ما حق داریم منابع اضافی را برای دفاع از آن صرف کنیم. استحقاق در چارچوب جغرافیایی تخصیص منابع اضافی برای جبران مشکلات اجتماعی و طبیعی خاص هر منطقه است. از نظر هاروی عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه ای باشد که نیازهای جمعیت شهری را پاسخگو باشد به تخصیص منطقه ای منابع را به گونه ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند، از نظر وی مفهوم عدالت اجتماعی در نهایت، توزیع عادلانه از طریق عادلانه معنا می شود.

### اصول ارزش گذاری توزیع فضایی برای توزیع خدمات شهری

همچنین تقوی، همکاران چنین تحلیل میکنند که در نتیجه گیری از بحث بالا می توان سه اصل زیر را به عنوان اصولی که تامین کننده عادلانه بودن توزیع است را نام برد:

۱. سازمان یابی فضایی و الگوی خدمات رسانی باید به نحوی باشد که نیازهای جمعیت را پاسخ گوید. این امر مستلزم یافتن روش عادلانه برای تعیین و سنجش نیاز است. بدین ترتیب، تفاوت میان نیازها و تخصیص واقعی خدمات، برای ارزش یابی میزان بی عدالتی شهری در نظام موجود است.
۲. این نوع سازمان یابی فضایی و الگوی تخصیص منطقه ای منابع که از طریق اثرات اشاعه یابنده، ضرایب فزاینده گی و نظیر آن، منافع بیشتری به شکل پاسخ گویی به نیازها (در وهله اول) و یا افزایش بازده اقتصادی (در وهله دوم) در مناطق دیگر فراهم آورد، نوع بهتری از سازمان یابی فضایی و تخصیص منابع است.
۳. ناموزونی سرمایه گذاری منطقه ای را زمانی می توان پذیرفت که هدف آن فایده آمدن بر مشکلات محیطی باشد در غیر این صورت مانعی بر سر بر آوردن نیازها و کمک به مصالح عمومی خواهد بود.

### عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری

سازمان دهی فضا یکی از ابعاد تعیین کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است.

عدالت فضایی ارتباط دهنده عدالت اجتماعی و فضا است. در نتیجه هم عدالت و هم بی عدالتی در فضا نمایان می شوند. از این رو تجزیه و تحلیل برهمکنش بین فضا و اجتماع در فهم بی عدالتی های اجتماعی و نحوه تنظیم سیاست های برنامه ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است. این در واقع پیوند گاهی است که مفهوم عدالت اجتماعی توسعه داده شده است. مفهوم عدالت فضایی باعث به وجود آمدن چندین دیدگاه در حوزه علوم اجتماعی شده است. بنابر کاری که چندین فیلسوف مشهور عدالت انجام داده اند، دو دیدگاه متقابل عدالت بحث های مربوط به این موضوع را دو قطبی کرده اند:

۳. یکی بر روی موضوع توزیع مجدد متمرکز می شود و

۴. دیگری روی فرایندهای تصمیم گیری متمرکز می شود.

دیدگاه اول شامل پرسش از موضوعاتی درباره توزیعات فضایی و فضایی اجتماعی و تلاش برای رسیدن به یک توزیع جغرافیایی برابر متناسب با خواسته ها و نیازهای جامعه همچون فرصت های شغلی، دسترسی به مراقبت های بهداشتی، و غیره است. این در مناطقی که حرکت به سمت عدالت فضایی با مشکلات زیادی از جمله فقر، تبعیض، یا محدودیت های سیاسی همراه می شود، اهمیت ویژه پیدا می کند. در دیدگاه عدالت توزیعی، تاکید بر عادلانه بودن یا نبودن دسترسی به کالاها و خدمات مادی و غیرمادی، یا موقعیت های اجتماعی است. یکی دیگر از راه های به کارگیری مفهوم عدالت، بر فرایندهای تصمیم گیری متمرکز می شود: این دیدگاه موضوعاتی چون نمایش فضا، اراضی یا دیگر هویتها و عادات اجتماعی را ترقی خواهد داد. برای مثال متمرکز شدن بر اقلیت ها (زنان) و کاوش فعالیت های فضایی آنها، همچنین به عوامل گوناگون که موجب تجربه و مدیریت آنها می شود نیز رسیدگی می کند. در مجموع عدالت فضایی یک مفهوم یکپارچه از علوم اجتماعی را وضع می کند و آن برقراری ارتباط بین چگونگی تصمیم گیری های سیاسی و بازتاب آن بر سیاست های اجرایی که به منظور بهبود و توسعه توزیع ها فضایی گرفته می شود، می باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

## بحث و نتیجه گیری

همان طور که بیان شد، یکی از مهمترین ویژگی های جامعه ای با ثبات و پایدار توجه به عدالت آن است که یکی از مشتقات آن عدالت فضایی است. با در نظر گرفتن تعاریف و اصول نظریه پردازانی همچون راولز و هاروی می توان به چندین معیار برای طراحی محلات با رویکرد عدالت فضایی دست یافت. از اولین نکات هائز اهمیت در این موضوع روش سنجش آن است که به طرق متفاوتی بررسی می شود. کامل ترین روش با در نظر گرفتن مدل های متفاوت، آن است که ابتدا به سرانه های استاندارد با توجه به اقلیم و جغرافیای محل مورد نظر طراحی، توجه شود و بتوان با لحاظ جمعیت پیش بینی شده برای محله به تمامی کاربری ها دسترسی پیدا کرد، سپس، شعاع دسترسی و حوزه نفوذ کاربری ها می باشد و باید توجه داشت که سازمان فضایی آن طوری طراحی شود که کمتر در لبه ها قرار گیرند یعنی عملکرد آن ها به صورتی نباشد که جز سرانه محسوب شود ولی به محله مجاور نیز خدمات رسانی کند و نتواند جوابگوی نیاز های اساسی افراد محله خود باشد. و در نهایت در راستای نظریات بیان شده، عدالت باید به گونه ای باشد که به نفع محرومان ختم شود. بنابراین توجه به گروه های خاص در محلات همچون: معلولین، سالمندان، کودکان و زنان اهمیت ویژه ای دارد که در این مقاله به بخشی از نکات طراحی با توجه به اولویت ها پرداخته می شود و امید است راه را برای طراحان جهت دستیابی به محله ای عدالت محور هموار سازد.

### (۱) جدول نکات طراحی محله

وجود ساختمان ها و عناصر شاخص، وجود نهادهای رسمی و غیر رسمی (قراردادن تندیس های هویت دار که نشان دهنده فرهنگ و اداب و رسوم آن منطقه است، تشکیل هیئت های محلی)	هویت	بعد اجتماعی
شناخت غریبه در محله، توجه به تردد کودکان و بانوان در شب، امنیت در ساعات پایانی شب، نبود بزه کاری در محله، نبود فضای تاریک و بی دفاع در محله، امنیت عابر پیاده و نبود مکان های حادثه خیز ترافیکی ( مشخص بودن مرز مسیر های پیاده و سواره، نورپردازی کافی در مسیر پیاده، عدم طراحی محل های تاریک، خلوت و بدون دید ناظر، قرار دهی مراکز تجاری و پر رفت آمد در طول مسیر پیاده، وجود حتمی نگهبان در کل محله برای بررسی رفت و آمد ها، هر واحد همسایگی از نظر امنیتی، ایمن بوده و دارای حصار مناسب و ورودی قابل کنترل باشد)	امنیت و ایمنی	
وجود مراکز خرید و گذاران اوقات فراغت، وجود فضا برای برگزاری مراسم، برگزاری برنامه های فرهنگی، وجود مکان های فرهنگی و ورزشی، وجود فضا برای پیاده روی، دوچرخه سواری و بازی کودکان (ایجاد مسیر دوچرخه سواری و پیاده بدون تداخل با مسیر سواره، ایجاد فرهنگ سراها، مسجد، سالن های ورزشی برای بانوان و آقایان، پارک های بازی برای کودکان، محلی برای برگزاری کنسرت های محلی، رستوران و کافی شاپ، فضای دنج، دوستانه و جادار برای ملاقات دوستان و پذیرایی مراجعین به مجتمع (که با یکی از اعضای خانواده کار داشته ولی نمی خواهیم وارد خانه شوند))	سرزندگی	
مدت زمان اقامت در محله، عدم ترک محله، همکاری برای رفع مشکلات محله، انتخاب دوست از میان اهالی محله، مرادوات اجتماعی با همسایگان و اهالی محله و عضویت در انجمن های محلی (تشویق به همکاری اهالی محله برای مشارکت در مدیریت محله، در نظر گرفتن محلی برای برگزاری جشن ها و عزاداری به کمک مردم محلی، محل برگزاری مسابقات خانوادگی)	تعلق خاطر مکانی	بعد اقتصادی
نوسان قیمت زمین در محله نسبت به منطقه	ارزش زمین	
رضایت شاغلان از فعالیت در محله، ارتباط فعالیت با نوع نیاز ساکنان، توزیع مکانی مناسب فعالیت ها در محله، عدم مزاحمت شغلی، سودآوری فعالیت های تجاری	نظام فعالیت	
وجود برنامه های اشتغال در محله ( به خصوص برای جوانان و بانوان)	اشتغال	بعد کالبدی
تغییرات فیزیکی در محله و افزایش آرامش و کیفیت زندگی، تغییرات فیزیکی در محله و بهبود وضعیت محله ( توجه به تراکم های ساختمانی، عدم تمرکز جمعیتی ساختمانی)	پویایی و سازگاری	
پیدا کردن نشانی، شناختن مرز محله توسط ساکنان، وجود عناصر و نشانه های شاخص ( میدان ها، فلکه ها، مجسمه ها و تندیس های هویت دار، قابل شناسایی بودن مسیر ها برای تمامی افراد چه محلی چه غیر محلی، ورودی دارای توقفگاه محفوظ برای مراجعان، محلی مناسب برای دریافت مرسولات پستی)	خوانایی	



<p>تنوع در انتخاب مسکن بر اساس درآمد و ساختار فرهنگی، تنوع در عرضه خدمات برای گروه های مختلف جمعیتی ( یکی از اصول اصلی عدالت توجه به اقشار مختلف مردم است، بنابراین نیاز به تنوع مسکن و خدمات ضروری است، فضای عمومی تجزیه شده و هر یک از مناطق نیمه عمومی کوچکتر به دسته ای خاص از ساکنان اختصاص داده شود)</p>	<p>تنوع</p>	
<p>دسترسی آسان به خدمات محله ای ، دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی، کیفیت پیاده روها، کیفیت آسفالت معابر، کیفیت روشنایی معابر(توجه به توپوگرافی زمین، باد های غالب، چشم انداز ها و اقلیم جهت طراحی مسیر های سواره و پیاده و جهت گیری ساختمان ها، تعیین مسیر های مشخص برای معلولین، تنظیم فاصله محل سوار شدن ماشین تا خانه یا کار، عدم مجاورت مسیر سواره به پارک های کودکان، تفکیک مسیر پیاده، سواره و دوچرخه سواری، در نظر گرفتن پارکینگ های نیمه خصوصی برای مهمان ها در واحد های همسایگی، قرار دادن راه های پیاده و دوچرخه سواری از هر واحد همسایگی به مرکز محله و تشویق به پیاده روی به جای استفاده از ماشین در محله، اتصال مسیر پیاده روی و دوچرخه سواری حاشیه به بدنه اصلی بدون عبور از سطح خیابان)</p>	<p>دسترسی</p>	
<p>توجه به اشرافیت ساختمان ، لحاظ فاصله سایه اندازی (بلوکهای ساختمانی تا حد امکان اشراف کمتری به یکدیگر داشته باشند و عابرین پیاده نیز فاصله مناسبی از خانه ها داشته باشند تا برای طبقه اول مزاحمتی ایجاد نشود، با توجه به اقلیم و نور خورشید آن منطقه از افتادن سایه روی ساختمان ها جلوگیری شود و فاصله بر طبق ضوابط رعایت گردد)</p>	<p>اشرافیت و سایه اندازی</p>	
<p>کیفیت مصالح، توجه به ابعاد زمین، تراکم، تعداد واحد های هر بلوک، تعداد بلوک در هر همسایگی، تعداد اتاق ها، تعداد واحد ها در طبقه، نحوه نورگیری، نماسازی زیبا)</p>	<p>کیفیت ساختمانی</p>	
<p>احساس آرامش در محله، میزان سر و صدا ، زیبایی ساختمان ها و دیوارها ، وجود مبلمان مناسب شهری و آلودگی هوا تعیین ضوابط برنامه ریزی و طراحی شهری برای کاهش آلودگی هوا و صدا و آلودگی های بصری ( استفاده از درختان متعدد در مسیر های پیاده جهت زیبایی و آرامش، در کنار خیابان ها جهت بهبود آلودگی صدا، و در مرکز و دور تادور محله برای جلوگیری از آلودگی هوا، استفاده از نماهای مرغوب و درخور فرهنگ مردم هر ناحیه برای جذب بیشتر آن ها برای ساکن شدن)</p>	<p>آلودگی های هوا، صوتی و بصری</p>	<p>بعد زیست محیطی</p>
<p>رضایت از جمع آوری زباله، وجود مراکز خرید زباله قابل بازیافت، نظافت کوچه و خیابان و مجاری آب و وجود مخزن زباله در معابر</p>	<p>نظافت و پس ماند</p>	
<p>توان محله در عرضه خدمات، ظرفیت تاسیسات زیربنایی و شبکه ارتباطی</p>	<p>ظرفیت محله</p>	
<p>کافی بودن تعداد پارک و فضای سبز ( پارک بانوان، پارک کودکان که به راحتی بتوانند بدون ترس از امنیت بازی کنند، پارک های محلی، فضای سبز اطراف ساختمان ها و مسیر های پیاده و سواره، ایجاد فضای سبز داخل حیاط و تراس به عنوان منظره زیبا و عبور دهنده هوای مطبوع)</p>	<p>فضای سبز</p>	

## منابع و مراجع

- [۱] موحد، علی، تولایی، سمین، کمانرودی، موسی، تابعی، نادر، تحلیل نابرابری های فضایی توزیع خدمات در سطح محلات منطقه شش تهران، مجله آمایش، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۵۹-۸۲
- [۲] داداش پور، هاشم؛ رستمی، فرامرز، بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصل نامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۳۹۰، شماره ۱۶، صفحات ۱۷۱-۱۹۸.
- [۳] وارثی، حمیدرضا؛ قائد رحمتی؛ صفر، باستانی فر، ایمان، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، نمونه موردی: مناطق شهر اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، ۱۳۸۶، صص ۹۱-۱۰۶
- [۴] شریفی، عبدالنبی،(عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابریهای منطقیهای در شهر اهواز)، پایاننامه دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استاد راهنما حسین حاتمی نژاد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
- [۵] حاتمی نژاد و همکاران، تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربریهای خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین، پژوهشهای جغرافیایی انسانی، ۱۳۸۷، شماره ۶۵، دانشگاه تهران.
- [۶] کاویانی، مراد، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحرانهای بومشناسی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی • سال سیزدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۸۹ • شماره مسلسل ۴۸
- [۷] خوش روی، قهرمان (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و فضای شهر، اولین همایش ملی عمران شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
- [۸] کرم، امجدی، ا. (۱۳۸۸). ارزیابی و پهنه بندی تناسب زمین برای توسعه فیزیکی شهر کرج و اراضی پیرامون بر پایه فاکتورهای طبیعی و روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی. فصلنامه جغرافیای طبیعی، ۷۴-۵۹.
- [۹] بهروان، حسین(۱۳۸۶) ( آمایش فرهنگ و عدالت شهری در مناطق ۱۲ گانه شهر مشهد، محل انتشار: مشهد، مجموعه مقالات و کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، صص ۱- ۲۸ .
- [۱۰] حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۸۷): (تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربریهای خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین، پژوهشهای جغرافیایی انسانی، شماره ۶۵، دانشگاه تهران.
- [۱۱] شیخی، محمدتقی، ۱۳۸۸، مبانی و مفاهیم جمعیت شناسی، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار
- [۱۲] مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی (۱۳۸۵)، مدیریت و ساماندهی بافت های فرسوده روستایی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
- [۱۳] رهنما ، محمد رحیم، لیس، آنا (۱۳۸۵)، اندازه گیری تغییرات دسترسی در منطقه مادر شهر سیدنی، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۷.
- [۱۴] کامیار، غلامرضا (۱۳۸۷)؛ حقوق شهروندی و شهرسازی، چاپ سوم، انتشارات مجد، تهران.
- [۱۵] مرصوصی، نفیسه، (۱۳۸۳)؛ تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها، شماره ۶۵، انتشارات سازمان شهرداری ها.
- [۱۶] راولز، جان (۱۳۸۵) (عدالت، انصاف و تصمیم گیری عقیدتی، ترجمه عرفان ثابتی، نشر قنفوس، تهران.
- [۱۷] وارثی، حمیدرضا؛ قائد رحمتی؛ صفر، باستانی فر، ایمان (۱۳۸۶) «، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، نمونه موردی: مناطق شهر اصفهان»، مجله جغرافیا و توسعه، صص ۹۱-۱۰۶
- [۱۸] کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹) گامی به سوی عدالت، تهران: دانشگاه تهران.

[19] Soja, E. (2008). The city and justice spatial. The conference spatial justice, Paris, Nanterre.

[20] Prang, Julia., 2009, Spatial justice: Anew Frontier in Planning For just, Sustainable Communities, Tufts university

[21] TsouKo-Wan , Hung Yu-Ting ; Chang Yao-Lin ,(2005). "An accessibility- based integrated measure of relative spatial equity in urban public Facilities". Department of Urban Planning, National Cheng Kung University, Taiwan , 22( 6), 424-435.

[22] Liu.c.xu.m, Chen.s.an.jm and Yan.pl, "Assessing the impact of urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China". Journal of Environmental Management 85 ,597– 606, (2007), [www.elsevier.com/locate/jenvman](http://www.elsevier.com/locate/jenvman) .

- [23] Qadeer, M.A., (2004) "Urbanization by implosion". Guest Editioial/Habitate International, PP.1-12
- [24] Nam,Ng Yun Yu, Xi,, Cho (2007). Spatial and temporal dynamics of urban sprawl along two urban – rural transects: A case study of Guangzhou, China, , Available online at [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- [25] Sohel Rana. M.D., "Status of water use sanitation and hygienic condition of urban slums: A study on Rupsha Ferighat slum, Khulna", Desalination 246,322-328 ,(2009), [www .science direct.com](http://www.science-direct.com)
- [26] Harvey,D.(1969). Explanation in Geography, Martin Press
- [27] Rawls, John. (1971) "A Theory of Justice", Cambridge, Massachusetts.
- [28] Caves,roger W.(2005), ENCYCLOPEDIA OF CITY, touteledge, New York.
- [29] Iranmanesh, Nasim & Etaai, koros(2010),City for everyone, liveable,healty, prosperous, REAL COPR,Vienna.